

گوشه ای از اندازه ها

دستگاه باشکوه و پرهیمنه جهان آفرینش ، از اتم تا ستاره بدو چیز وا- بستگی دارد : یکی مواد و عناصری که در اساس ساختمان آن دخالت دارد ؛ و دیگری اندازه و حساب که حدود و مرزهای موجودات را تعیین میکند .
و همانطور که اگر مواد و عناصر نداشتیم ، جهانی نداشتیم ، اگر اندازه و حساب هم نمی بود جهان کنونی نیز نمی داشتیم .

حکومت حدود اندازه بر تمام موجودات ، جزئی و کلی ، جماد و نبات حیوان و انسان ، زمین و آسمان ؛ ثابت و لایزال است ، و هیچ موجودی نمیتواند از زیر بار حکومت آن شانه خالی کند ، زیرا شانه خالی کردن با از دست دادن هستی و یا اقل با از دست دادن سلامتی خود ، مساوی و برابر است !!

فی المثل ، هر انسانی احتیاج کامل بآب دارد ، زیرا حیات او وابسته بآب است ولی همین آب اندازه دارد و اگر از اندازه خود تجاوز کرد بامرک انسان همراه است ، و همینطور نسبت ب غذا و حرارت و غیر اینها .

امروزه ثابت شده است که اختلاف عناصر مربوط باندازه و شماره الکترونها می است که در اطراف هسته اتمی در گردشند !!

اکنون بچند تا از اندازه هائی که در رسیدن نور خورشید بزمین ما بکار رفته است ، و اگر همین اندازه ها نبود ، وضع ما ، زندگی ما ، بطور قطع این سر و سامان فعلی را نداشت توجه میکنیم :

۱- در این فضای پهناور ، کرات روشن و ستارگان نورانی فراوانی هستند که بسیاری از آنها از خورشید ما بزرگتر و نورانی ترند !! و بعضی از آنها کوچکتر و کم نورترند .

ماوراء بنفش تا وقتی طول موجش از سه ده هزارم میلیمتر بیشتر است، جز آفتاب زدی مختصر چیزی تولید نمیکنند. اما آن اشعه‌ای که طول موجشان از این مقدار کمتر است بجای آفتاب زدی سوختگی ایجاد مینمایند و موجوداتی که در معرض تابش آنها واقع میشوند کاملاً کباب خواهند شد!!

ولی برای اینکه این اشعه با اندزه و حساب بزمین برسد ما نمی‌بنام او وزن که در تمام فضا پخش است سر راه آن قرار گرفته و نمیگذارد همه آن اشعه بزمین برسد.

اوزون گازی است که بوی آن فوق‌العاده نفرت‌آور است، و اندازه خود آن هم بمقداری است که اگر آن را با فشار جوی فعلی بدور زمین گرد آورند ضخامت آن فقط سه میلیمتر خواهد بود و فعلاً وضع چنین است که اگر اوزون به $\frac{2}{3}$ مقدار کنونی تقلیل یابد نور خورشید در مدت کمی همه موجودات را تبدیل بذغال مینماید! و اگر بجای سه میلیمتر ضخامت قطر «اوزون» دارای شش میلیمتر ضخامت بشود باز هم مادچار سر نوشت شومی خواهیم گشت و آن اینکه بواسطه توسعه روز افزون میکروبها همه ما معدوم خواهیم شد (۱)

۳- اندازه فاصله خورشید با زمین فعلاً بطور متوسط ۱۵۰ میلیون کیلومتر است و با این اندازه فاصله است که وضع ما و دیگر موجودات سر و سامانی دارد و در فراه و آسایش بسر میبریم.

ولی اگر این فاصله دو برابر فاصله کنونی بود، روی قانونی که در جای خود ذکر شده است حرارتی که از خورشید بزمین میرسد به $\frac{1}{4}$ تقلیل پیدا میکند! و گردش حرکت زمین که ساعتی ۱۰۰۰ میل است بنصف تقلیل مییافت و قهراً فصل زمستان هم دو برابر میشد، و در نتیجه تمام موجودات زنده زمین منجمد میشدند و حیات و زندگی بر روی آن ممنوع و محال میگردد! و اگر آن فاصله نصف دوری و فاصله حال ما بود حرارت زمین چهار برابر حرارت کنونی میشد و سرعت حرکت زمین دو برابر میشد، آنگاه اوضاع فصول بهار، تابستان، پاییز و زمستان بهم میخورد، و آنها بخار میشد، و اصولاً زمین قابل سکونت نبود (۲)

(۱) از اتم تا ستاره

(۲) التکامل فی الاسلام - ج ۳

۴ - گرداگرد زمین را بضامت یکصد کیلومتر هوا فرا گرفته است که آنرا جو زمین مینامند ، و نتایج بسیاری برای ما دارد .

از جمله اگر جو زمین نبود روزها بر اثر تابش آفتاب حرارت در سطح زمین بصدرجه بالای صفر میرسید یعنی تمام آب دریاها بجوش می آمد ؛ خون در رگهای ما میجوشید ، و شیردر پستان مادران (۱)

پس جو زمین نیز باعث شده که حرارت خورشید با اندازه بزمین برسد تا زندگی ما مرفه باشد و بتوانیم نفس راحتی بکشیم .

قرآن کریم و اندازه‌ها

کتاب مقدس ، قرآن که از راههای گوناگون بمادرس خدانشناسی میدهد ، و فکر و اندیشه‌ها را بسوی حقائق بی بدیل متوجه میسازد ، از این رهگذرم که راه هفتاد و سه و اندازه جهان است دلهای ما را بطرف اندازه گیردانا و طراح بزرگ توانا سوق میدهد .

در سورهٔ رعد میفرماید : و کل شیء عنده بمقدار آیه ۸ یعنی و همه چیز نزد او با اندازه است ،

در سورهٔ قمر میفرماید : انما كل شیء خلقناه بقدر (آیه ۴۹) یعنی ما همه چیز را با اندازه آفریده ایم ،

در سورهٔ حجر میفرماید : وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم آیه ۲۱ یعنی : هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزینه‌های آن نزد ماست ، و آنرا جز با اندازه معین نازل نمیکنیم .

در آیات کریمه دیگر نیز این حقیقت را گوشزد نموده است .

زهی قدرت که در حیرت فزودن چنین ترتیبها داند نمودن

* * *

زمین را گذرگاه او ساختی
سرشتی با اندازه یکدیگر
که به زآن نیارد خرد در شمار
ندانند که چون کردی آغازشان

توئی کاسمان را بر افراختی
ز گرمی و سردی و از خشک و تر
چنان بر کشیدی و بستی نگار
هر بندهس بسی جوید از رازشان